

## جای خالی زن در محاسبات آماری

از سلسله گفتارهای رادیویی "صدای سربداران" 1368-1370

ستم بر زنان و پرتاب زنان به جایگاه درجه دوم هر چند توجیه خود را در سیستم تفکر و ارزشهای روبنائی و فرهنگی پیدا می کند، اما این امر عمیقترین منافع اقتصادی را در نظر دارد. عبارتی دیگر ستم بر زن با ستم طبقاتی در هر عصر تاریخی گره خورده و در خدمت حفظ آن قرار می گیرد و از یوی دیگر با زیربنای استثماری در هر عصری مرتبط است.

در کشورهای سرمایه داری امپریالیستی کار زنان در خانه و خانه داری بخشی از هزینه باز تولید نسل جدید کارگران یعنی مخارج نگهداری فرزندان کارگران را تامین کرده و بنابراین در خدمت پائین نگهداشتن دستمزدها و بالابردن سود سرمایه قرار دارد.

در کشورهای تحت سلطه علاوه بر اشکال سرمایه دارانه ستم و استثمار - یعنی بحساب نیاوردن کار زنان در نگهداری از فرزند و خانه داری، کار آنها در امر تولیدی هم بحساب نمس آید. بدین صورت که کار زنان در تولید مستقیم بعنوان کمک به شوهر یا پدر و بطور کلی خانواده حساب شده و پردهپوشی می شود. باید دانست همین کار موجب می شود، مردان خانواده نتوانند برای مدتهای نوبتاً طولانی و بعنوان مهاجر در شهرها، با دستمزدهای بسیار کم به کار بپردازند.

بلها در این کشورها، اطلاعات و آمار جمع آوری شده تحت تاثیر ایدئولوژی و فرهنگ و افکار حاکم، نقش زنان در تولید معیشتی و تجاری را نهان هگه می دارد و بدین نحو از لحاظ رسمی هم مورد تائید طبقه حاکم قرار می گیرد. در اکثر سرشماری ها از روستا، تنها کارهایی که زنان در مقابل آن مزد دریافت کنند را بعنوان فعالیت اقتصادی به حساب می آورند. زنانی که به کار تولیدی خانگی اشغال دارند و هرگز مزدی دریافت نمی کنند بعنوان زنان خانه دار طبقه بندی می شوند. زنانی که بطور نیمه وقت در فصل برداشت یعنی درو و خرمن کوبی در کار تولیدی شرکت می کنند، نیز بعنوان خانه دار طبقه بندی می شوند. بدین تریب آنگونه فعالیتهای معیشتی و خانگی که عمدتاً توسط زنان انجام می گیرد از آمار تولید و درآمد حذف می شود.

مطابق با پرسش نامه های فعلی آمارگیری، زن خانه دار در گروه "غیرفعال" اقتصادی قرار دارد. فعالیتهای فرعی زنان که به کلی در این آمارگیریها ذکر نمی شود شامل کارهای متعددی از قبیل صنایع دستی، تولید جهت مصرف خانواده، نگهداری از حیوانات - کارهای فصلی مثل مبارزه با آفات و حشرات، تهیه آب و سوخت، پاک کردن و خشک کردن حبوبات و میوه جات، شیردوشی، نخ ریزی، بافندگی، قالیبافی هستند.

در حالیکه تمام این کارها نه مربوط به نگهداری خانه و فرزندان بلکه مستقیماً کارهای تولیدی هستند که بخشی از مخارج زندگی یا تولید برای ادامه زندگی را تهیه می کنند. کاری را که زنان برای گذراندن زندگی و حفظ معیشت خانواده و بخاطر فرزندان و شوهر می کنند، هرگز حتی در محاسبات آماری بحساب نمی آید، تاچه رسد به آنکه کسی در مقابل آن دستمزدی پرداخت کند. وقتی این کارها در مجموعه خود و در ابعاد اجتماعی در نظر گرفته شود، می بینیم که کاری مجانی است که در خدمت طبقات استثمارگر و ارتجاعی انجام شده. از همین طریق است که بخشی از هزینه های تولید بضع طبقه سرمایه دار تامین می شود. ناگفته نماند که کارهای مردان در کشاورزی و صنایع دستی برای گذراندن زندگی او همین مقوله است. علیرغم آنکه در سیستم های آمارگیری حذف زنان را از سرشماری عادی می داند، مثالهای مشخصی از این وضع در دست است.

در ایران کار بدون مزد زنان در تولید کشاورزی به ندرت بیان آماری پیدا می کنند؛ حال آنکه بنا بر سرشماری در آذرماه 1345 در گروه کارکنان کشاورزی، 15 درصد مردان و 46 درصد زنان "کارکن بدون مزد خانوادگی" طبقه بندی شده اند. علاوه با مهاجرت بیشتر مردان به شهرها میزان اشتغال زنان در تولید کشاورزی و صنایع دستی بالاتر نیز رفته.

در بیرجند، آمارگیری سال 1345 میزان فعالیت اقتصادی زنان را حدود 20 درصد می داند؛ حال آنکه در سال 50 این میزان حدود 44 درصد بوده است. در این منطقه صنایع دستی بویژه قالیبافی به منبع اصلی درآمد خانوار تبدیل شده و تماماً توسط زنان انجام می شود. در عین حال شرکت زنان در کار کشاورزی و مزارع کوچک نیز افزایش یافته. پژوهشهای سازمان جهانی کار نشان می دهد که میزان شرکت زنان در نیروی کار پائین تر از آنست که سرشماری سال 1345 نشان داده است. همچنین این پژوهشها نشان می دهد که بعلت گسترش مهاجرت مردان به شهرهای نسبتاً دورتر برای کار مدی بجای کار در مزارع کوچک خودشان، نسبت زنان در تولید کشاورزی معیشتی و صنایع دستی بالا رفته. زنان عموماً تعداد ساعات بیشتری نسبت به مردان کار می کنند. کار زنان را در اقتصاد روستائی باید روز "کار مضاعف" نام داد برپایه همین روز "کار مضاعف" است که مردان روستائی می توانند به شرها مهاجرت کنند و مدتهای طولانی در شهرها باقی بمانند و نیروی کار خود را به بازار شهرها به قیمت ارزان عرضه کنند. وقت آنها در چنین سیستمی کار خود را عرضه می کنند بخشی از کار زنان در روستا را نیز که صرف نگهداری خانه و خانواده آنها شده به سرمایه دار عرضه می کنند، در حالیکه کسی آن را بحساب نمی آورد.

آخرین تخمینهای آماری که در سال 1360 داده شده، میزان فعالیت اقتصادی زنان را 133 درصد قلمداد می کند حال آنکه ارقام واقعی چنانکه در عقب افتاده ترین مناطق روستائی بیرجند دیده می شود، از این مقدار بالاتر است. در ایران که تولید غیرکالائی کماکان رایج است و زنان اکثراً در خانه به کارهائی اشتغال دارند که مستقیماً به تولید برای فروش مربوط نمی شود. صنایع دستی و قالیبافی بر مبنای فرهنگ رایج بطور طبیعی جزء کار خانگی زنان حساب می آید.

بدین ترتیب فعالیتهای اقتصادی زنان که در چارچوب تولید کالائی نمی گنجد، بمثابة کار خانواده وابسته به مرد و یا کمک به تولید مردان بحساب می آید و زمینه وابستگی زن به مرد و نقش درجه دوم و تابع بودن او را در جامعه تحکیم می بخشد. تمام فرهنگ و سنتهای موجود در جامعه نیز که در خدمت زیربنای اقتصادی قرار دارد، به این موقعیت زن در تولید و اجتماع صحنه گذاشته و به آن خدمت می کند.

فرهنگ و ایدئولوژی اسلامی يك ایدئولوژی مردسالار است و قوانین اش هم به تحکیم این ایدئولوژی خدمت می کنند. برای در هم شکستن اسارت زنان باید با توجیهای ارتجاعی اسلامی در ستم برزن مبارزه کرد. زنانی که اسیر خرافات مذهبی باشند، موقعیت درجه دوم و سرکوب شده خود را قبول کرده اند و حتی در حفظ آن می کوشند. زنان انقلابی و زحمتکش برای رهائی باید در صحنه جنبشهای اجتماعی و فعالیتهای سیاسی قدم بگذارند و علیه تمام ستمها و زنجیرهایی که سنتهای اجتماعی و مذهب بر دست وپای آنها می بندد، و برای از بین بردن ستم و استثمار طبقاتی که ریشه تمام ستمهای اجتمائی است، مبارزه کنند.